

۶- سیاستهای کشاورزی در کشورهای در حال توسعه

نرخ ارز، قیمتها و مالیات

۱

افزایش تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی قابل صدور (Cash Crops) و درآمدهای بالاتر روستایی از اهداف مهم دولت‌های (۱) کشورهای در حال توسعه بوده است. به منظور پیگیری این اهداف، دولت‌ها با کمک خارجی، سرمایه‌گذاریهای عظیمی نموده‌اند تا زیربنای فیزیکی مناطق روستایی را بهبود بخشند، آبیاری و کنترل سیلابها را توسعه دهند و تحقیق و توسعه کشاورزی را سازماندهی نمایند. همچنین منابع بسوی برنامه‌هایی که هدف ارتقاء کارآیی را، از طریق مدیریت بهتر مزرعه و بهبود بهداشت روستایی و خدمات تحصیلی دنبال میکنند، سوق داده شده است. در بسیاری موارد این کوششها در افزایش تولید مواد غذایی موفق بوده‌اند. گستردگی انقلاب سبز در برنج و گندم دلیلی بر کارآیی مخارج عمومی در زمینه تحقیق و آبیاری می‌باشد.

لکن، سیاستهای عمومی اقتصادی که توسط کشورهای در حال توسعه دنبال شده است، رشد تولید کشاورزی را محدود نموده و مانعی در مقابل اقدامات جهت کاهش فقر روستایی بوده است. در بسیاری موارد، قیمت‌گذاریهای خاص بخشی و سیاستهای مالیاتی نیز منجر به تبعیض قابل ملاحظه‌ای نسبت به کشاورزی شده است. بعلاوه، مداخله دولت در تمام مراحل تولید، مصرف و بازاریابی تولیدات و داده‌های کشاورزی،

(۱) این محصولات کشاورزی در کشورهای توسعه یافته بازاری خوبی داشته و تولید آنها در کشورهای در حال توسعه عمدتاً "جهت صدور به این بازارها و کسب درآمدهای ارزی صورت میگیرد."

علیرغم تعهد نسبت به بهبود کارآیی بازارها، بارها منجر به عدم کارآیی های وسیع، و کاهش محصول و درآمد شده است. در نتیجه، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، درآمدهای کشاورزی را کسب و پیشرفت در غلبه بر مشکلات ناشی از فقر ناچیز بوده است.

بسیاری از کشورهای بی که بر اهمیت توسعه کشاورزی تاکید داشته اند - بنحوی متناقض - با ایجاد یکسری سیستمهای پیچیده، بشدت نسبت به کشاورزی تبعیض قائل شده اند. برای مثال، بعضی از کشورهای در حال توسعه، بر روی صادرات کشاورزی مالیات وضع میکنند، درحالیکه همزمان اثرات منفی کاهش قیمتتها بر بخش کشاورزی ابراز تأسف مینمایند. بعضی کشورها به تولیدکنندگان غلات، نصف قیمتتهای جهانی (یا حتی کمتر) را پرداخت میکنند و از کمیا ب خود را صرف واردات مواد غذایی می نمایند. بسیاری از کشورهای قیمتتهای تولیدکننده را طی مراحل مختلف با لایرده اندولی چنان سیاستهایی را در زمینسه اقتصادکلان و نرخ ارز دنبال کرده اند که قیمتتهای واقعی تولیدکننده را ثابت نگه داشته و یا به سطحی پایین تر از قبل رسانده است. بسیاری از کشورهای سیستمهای پیچیده اخذ مالیات از تولیدکننده را بوجود آورده و سپس متقابلاً "به منظور جبران آن سیستمهای پیچیده و غالباً" غیر مؤثر سوبسید را برای داده های کشاورزی بنا نهاده اند. برخی دیگر از کشورهای برای مصرف کنندگان سوبسید در نظر میگیرند تا به افراد فقیر کمک نمایند، ولی نهایتاً "درآمد کشاورزان را، که بسیار فقیرتر از اکثر مصرف کنندگان شهری بهره مندا سوبسید هستند، کاهش میدهند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه از خود کفایی به عنوان یک هدف مهم نام میبرند، ولی سیاستهایی را دنبال میکنند که از کشاورزان مالیات اخذ میکند، به مصرف کنندگان سوبسید میدهد و وابستگی به مواد

غذایی وارداتی را افزایش میدهد.

تبعیض نسبت به کشاورزی، ناشی از چند عامل است. اولاً، یکی از بخشهای اساسی استراتژی های توسعه اینستکه صنایع داخلی را در پشت موانع بلندتجاری توسعه دهد. این استراتژیها قصد دارند که تغییر جهت منابع کشاورزی بسوی صنعت را، با کاهش سودآوری کشاورزی در مقایسه با صنعت، تسریع نمایند. به عبارت دیگر، شرایط داخلی تجارت بین کشاورزی و صنعت، بگونهای تغییر میکنند که کشاورزی در مقایسه با زمانیکه قیمتهای داخلی همسطح قیمتهای نسبی جهانی باشند، در وضعیت بدتری قرار میگیرد. در نتیجه، صادرات کشاورزی و همچنین محصولات کشاورزی که با واردات رقابت می کنند، لطمه می بینند. دلیل این امر، علاوه بر کاهش قیمتهای محصولات کشاورزی نسبت به محصولات صنعتی حمایت شده، افزایش هزینه های داده های صنعتی مورد استفاده کشاورزان نیز می باشد. بعلاوه، سیاستهای حمایتی باعث افزایش نرخهای واقعی ارزش میشود. این بدان معنی است که کالاهای کشاورزی تجاری، نسبت به کالاهای غیرتجاری، سودآوری کمتری خواهد داشت که متعاقباً "نتایج معکوسی بر روی صادرات کشاورزی کشورهای در حال توسعه دارد.

طی ۱۵ سال گذشته، این تبعیض سنتی نسبت به کشاورزی غالباً "باروش واکنش کشورها نسبت به تغییر شرایط اقتصادی، تشدید شده است. برخی کشورها در تعدیل نرخهای ارز در دوره های تورم سریع شکست خورده اند، بهمین دلیل اجازه داده اند که نرخهای ارزیشان از ارزش واقعی باشد و در عوض بر روی استقرار خارجی بیش از حد و کنترلهای ویژه ارز و تجارت تأکید نموده اند. معمولاً در رأس چنین ضوابط ویژه ای، محدودیتهای بیشتر دائمی تجاری قرار میگیرند و تبعیض

نسبت به کشاورزی را تشدید می نمایند .

سیاستهای بخشی که قیمت‌های زراعی داخلی محصولات کشاورزی را (پس از تعدیل با هزینه حمل و نقل داخلی و سودهای توزیع) پایین تراز قیمت‌های جهانی آنها در مرزهای کشور حفظ می‌نماید، تا حد زیادی به تبعیض نسبت به کشاورزی کمک می‌نماید. برای کشاورزان، اینکه بدلیل مالیات بر روی محصولات خود و یا بدلیل سودهای کلانی که بوسیله آژانسهای بازاریابی مطالبه می‌شود، قیمت‌های پایینی را دریافت نمایند، تفاوت زیادی وجود ندارد. معمولاً اثرات قیمت‌های پایین محصولات کشاورزی بوسیله سوبسیدهایی که بسیاری دولت‌ها برای اعتبار روداده‌های کشاورزی مدرن قرار می‌دهند، جبران نمی‌شود. این سوبسیدها نوعاً "منجر به سهمیه بندی و کمبودها می‌شود و به کشاورزان بزرگتر و مرفه‌تر بیش از کشاورزان کوچک‌تر و فقیرتر منفعت می‌رساند.

این مقاله درباره میزان تاثیر سیاست‌های اقتصادی مربوط به تجارت و نرخ ارز، و نیز سیاست‌های بخشی مالیات و قیمت‌ها در تبعیض نسبت به کشاورزی در کشورهای در حال توسعه بحث می‌نماید و اثرات این تبعیض را بر روی تولید و درآمد‌های کشاورزی بررسی می‌نماید. همچنین مطرح می‌شود که مالیات‌های گزاف کشاورزی چگونه عمل می‌نمایند و به چند راه دیگر برای محدود نمودن هزینه‌ها اشاره می‌شود.

سیاست‌های اقتصادی و کشاورزی

تجارت، نرخ ارز، سیاست‌های مالی و سیاست‌های پولی اثر مهمی بر روی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه دارند و این اثرات، تا تاثیر سیاست‌های خاص بخشی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این سیاست‌ها

تعیین کننده گردش سرمایه و نیروی کار بین کشت و کار و سایر بخشهای اقتصاد، رشد و ترکیب تولیدات کشت و کار و حجم و ترکیب تجارت در محصولات کشت و کار می باشند و نیز مانع رشد درآمدهای واقعی در محیطهای روستایی، که تمرکز فقر در آنها بیشتر است، می شوند.

— منابع تبعیض

بسیاری از کشورهای در حال توسعه روند گسترش صنعتی شدن را از طریق حمایت فراوان از صنعت، ادامه دادند. این استراتژی، قیمت جایگزینهای واردات صنعتی را نسبت به قیمت جایگزینهای واردات کشت و کار و صادرات افزایش میدهد. همچنین، این سیاست، قیمتهای داده های کشت و کار و مرزهای مورد حمایت را نیز افزایش میدهد. کاهش قیمتهای محصولات کشت و کار و مرزهای نسبت به محصولات صنعتی و با افزایش هزینه داده های مدرن، سیاستهای داخلی بصورت غیر مستقیم از کشت و کار مالیات اخذ می نماید. جدول (نشان میدهد که، چگونه حمایت مشخصی که از صنعت میشود سودآوری نسبی کشت و کار را در بسیاری از کشورهای پایین آورده است. نسبتهای جدول، میزان حمایت از ارزش افسسزوده در کشت و کار را نسبت به صنعت نشان میدهد. بجز کشور کره جنوبی، تمام کشورهای منتخب، خصوصاً " نیجریه، کلمبیا و مصر، نسبت به کشت و کار و مرز تبعیض قائل شده اند.

لکن این تنها راه تأثیر سیاستهای داخلی بر کشت و کار نیست. تأثیر دیگری نیز وجود دارد که از طریق نرخ واقعی ارز (نسبت قیمت کالاها ی تجاری به قیمت کالاها ی غیر تجاری)، عمل می نماید. حمایت صنعتی، نرخ واقعی ارز را پایین می آورد. بنابراین تولیدکنندگان جایگزینهای واردات و نیز صادرات در کشت و کار به دو دلیل دچار

ضرر می شود:

یکی سودآوری افزایش یافته تولیدات صنعتی و دیگری افزایش سودآوری کالاهای غیرتجاری. منابع از بخش کشاورزی تجاری به سایر بخشها سوق داده میشود و در نتیجه دستمزدهای واقعی روستایی ممکن است افزایش یابد. این امر هزینه کشاورزی را، که در کشورهای در حال توسعه بسیار کم است، افزایش میدهد.

بررسی های مختلف نشان داده است که چگونه سیاستهای حمایت از صنعت بر قیمتهای تولیدات کشاورزی در مقایسه با قیمتهای تولیدات صنایع حمایت شده و کالاهای غیرتجاری اثر می گذارند. در فیلیپین از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، حمایت فراوان از کالاهای مصرفی صنعتی، باعث شد که قیمتهای صادرات کشاورزی نسبت به قیمتهای کالاهای تجاری حمایت شده بین ۴۴ تا ۷۱ درصد (بسته به نوع واردات) و نسبت به قیمتهای کالاهای غیرتجاری بین ۳۳ تا ۳۵ درصد پایین تر باشد. در پرو، ۱۰ درصد افزایش در عوارض کالاهای غیر کشاورزی وارداتی، باعث کاهش قیمت کالاهای تجاری کشاورزی نسبت به قیمت کالاهای فوق به میزان ۱۰ درصد شد و نیز ۵/۶ تا ۶/۶ درصد کاهش نسبت به قیمت کالاهای غیر قابل ورود بوجود آمد. نتایج مشابهی نیز در کشورهای آرژانتین، شیلی، کلمبیا، نیجریه و ژنر بدست آمده است.

سیاستهای عرضه پول و اعتبار، درآمدها و مخارج عمومی، استقرار سرمایه گذاری خارجی و سیستمهای نرخ ارز موجب بحران شدید طی دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بودند. زمانیکه سیاستهای پولی و مالی انبساطی منجر به تورم بالاتر داخلی نسبت به خارج شده است، دولتها غالباً "در تعدیل نرخهای ارز با شکست مواجه شده اند و در عوض بر افزایش محدودیت واردات بوسیله بکارگیری شیوه های نظیر

جدول شماره ۱- حمایت از کشا ورزی در مناطق پسته با مصنوعات در چند کشور
در حال توسعه

کشور و دوره زمانی	سال	نسبت حمایت مربوطه ^(۱)
در دهه شصت :		
مکزیک	۱۹۶۰	۰/۷۹
شیلی	۱۹۶۱	۰/۴۰
مالزی	۱۹۶۵	۰/۹۸
فیلیپین	۱۹۶۵	۰/۶۶
برزیل	۱۹۶۶	۰/۴۶
کره	۱۹۶۸	۱/۱۸
ارژانتین	۱۹۶۹	۰/۴۶
کلمبیا	۱۹۶۹	۰/۴۰
در دهه هفتاد و هشتاد :		
فیلیپین	۱۹۷۴	۰/۷۶
کلمبیا	۱۹۷۸	۰/۴۹
برزیل (۲)	۱۹۸۰	۰/۶۵
مکزیک	۱۹۸۰	۰/۸۸
نیجریه	۱۹۸۰	۰/۳۵
مصر	۱۹۸۱	۰/۵۷
پرو (۲)	۱۹۸۱	۰/۶۸
ترکیه	۱۹۸۱	۰/۷۷
کره (۲)	۱۹۸۲	۱/۳۶
اکوادور	۱۹۸۳	۰/۶۵

(۱): نسبت فوق به صورت $(1 + \text{EPR}_m)$: $(1 + \text{EPR}_a)$ محاسبه شده است که EPR_a و EPR_m به ترتیب نرخهای موثر حمایت برای بخش کشا ورزی و مصنوعات می باشد. نسبت ۱ نشان میدهد که حمایت موثر در هر دو بخش مساوی است. نسبتی بزرگتر از ۱ بدین معنی است که حمایت از کشا ورزی بیشتر است.

(۲): مربوط به کشا ورزی و معدن

سهیمه بندی، کنترل ارز و صدور مجوز واردات تأکید کرده‌اند. در چنین شرایطی، پول داخلی ارزشی بیش از ارزش واقعی خود پیدا نمیکنند و تبعیض نسبت به کشتا و ورزی شدیدتر میشود، زیرا افزایش حمایت معمولاً مربوط به صنعت است. به منظور حفظ قیمت پایین مواد غذایی در شهرها، واردات مواد غذایی نوعاً "ضوابط محدودکننده مستثنی" میشود. در نتیجه به واردات مواد غذایی بطور ضمنی سوبسید تعلق میگیرد. بعلاوه، در کوشش برای کاهش کسری بودجه، کشورها معمولاً مالیاتهای بخشی بر روی صادرات کشتا و ورزی و برنامهای محدودیست سوبسید برای داده‌های کشتا و ورزی را افزایش میدهند. در نتیجه مالیات بندی ضمنی و آشکار، کشتا و ورزی (و گروههای کم درآمد وابسته به آن) متحمل فشار بر برنامه‌های تعدیلی، که عدم ثبات سیاستهای اقتصاد کلان بدنبال دارد، خواهند شد.

فشار بر کشتا و ورزی خصوصاً "مربوط به زمانی است که سهمیه‌های وارداتی بکار رود، زیرا در آن هنگام تغییرات قیمت داخلی یک کالای وارداتی بوسیله عرضه که ثابت است تعیین نمی‌شود، بلکه بوسیله سطح تقاضا تعیین می‌گردد. بنابراین با افزایش تقاضای کل، یک سیاست مالی انبساطی، قیمت‌های داخلی کالاهای را که واردات آنها محدود شده است، افزایش میدهد. مجموع این روند باعث کاهش قیمت‌های نسبی کشتا و ورزی و افزایش تبعیض نسبت به آن خواهد بود. جریان‌های سرمایه‌های خارجی کشور و افزایش سریع قیمت‌های جهانی صادرات عمده نیز موجب افزایش نرخ ارز میشود. این امر بتنها یکی مخرب نیست، لکن در صورتیکه رونق کالاهای موقتی و معکوس نمودن جریان عوامل خارج از کشتا و ورزی به سوی آن مشکل باشد، ممکن است ضوابط بخشی خاصی برای جبران اثرات روند فوق بر روی کشتا و ورزی لازم گردد.

البته، واکنش کشورها نسبت به افزایش قیمت و رونق کالاها عموماً " بوسیله اتخاذ سیاستهای انبساطی پولی و مالی صورت میگیرد که منجر به تورم و افزایش بیشتر نرخ واقعی ارز نسبت به آنچه که بدلیل تغییرات مطلوب شرایط خارجی تجارت بوجود می آید، میگردد. اثرات این واکنش حتی بعد از پایان دوره رونق ادامه می یابد، زیرا تعهد نسبت به برنامههای وسیع سرمایه گذاری و یا به هزینه های مکرر، قبلاً ایجاد شده است .

— سیاستهای بخشی

البته سیاستهای داخلی بخش کشاورزی (نظیر عوارض تجاری، سوبسیدها و هزینه بازاریابی) می توانند مالیات بندی غیر مستقیم که بوسیله سیاستهای عمومی اقتصادی بوجود می آید را کاهش داده و یا تشدید نمایند. سطوح عوارض و سوبسیدها در کشاورزی چیست؟ آیا از کشاورزی بوسیله سیاستهای بخشی اخذ مالیات می شود و یا به آن سوبسید تعلق میگیرد؟ در این ارتباط می بایست تفاوت بین قیمت در مزرعه و قیمت در مرز بر حسب نرخهای رسمی ارز، بعد از تعدیلات مربوط به حمل و نقل داخلی و هزینه های بازاریابی، محاسبه شود. بکارگیری این روند بدین جهت صورت میگیرد که جدا از عوارض تجاری و سوبسیدهای معمول، استفاده از سهمیه ها و هزینه های بازاریابی می تواند به مالیاتها و سوبسیدهای بخشی که کشاورزان تحت تأثیر آن هستند کمک نماید.

محصولات صادراتی: بسیاری از کشورهای بر روی محصولات

صادراتی مالیاتی می بندند که گاهی نرخ آن بسیار بالاست. این سؤال وجود دارد که دولتها چرا و چگونه بر روی محصولات صادرات کشاورزی مالیات وضع می کنند؟ بعضی از مالیاتها بر روی محصولات

صادراتی شامل مالیاتهای مرزی معمول و یا سهمیه‌ها می باشد، لکن غالباً " مالیات بندی نتیجه سیاستهای قیمت گذاری است که بوسیله آژانسهای بازاریابی در بخش عمومی دنبال میشود. البته دلیل اصلی مالیات بر صادرات با لایردن درآمد برای استفاده هیأت‌های بازاریابی یا دولت مرکزی است. لکن عملاً" دلایل مهم دیگری نیز وجود دارد. کشورهای در حال توسعه مایلند مالیات صادراتی را وضع نمایند تا از قدرت انحصاری که تصور می‌کنند در بازارهای جهانی دارند بهره‌برند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سیاست تشویق صنایع کشاورزی را با مالیات بندی و یا محدودیت صادرات مواد اولیه کشاورزی مورد مصرف آنها دنبال کرده‌اند. مالیاتهای صادراتی بر روی محصولات با قابلیت صدور (Cash Crops) نیز به منظور تشویق تولید محصولات غذایی داخلی جهت دستیابی به خودکفایی بکار رفته است. مالیات بر صادرات جهت مقاصد فوق از نظر درآمد ملی و عملکرد کشاورزی بسیار پرهزینه بوده است.

– جایگزینهای واردات کشاورزی

محدودی از کشورهای در حال توسعه از جایگزینهای واردات کشاورزی خصوصاً " در مورد گندم و لبنیات و تولیدات دام، جهت توسعه خودکفایی، حمایت کرده‌اند. در اکثر موارد به تولیدکنندگان داخلی جایگزینهای واردات، کمتر از قیمت‌های واردات (پس از تعدیل بها هزینه‌های بازاریابی داخلی) پرداخت میشود. دولت‌ها معمولاً سعی می‌کنند برای حفظ قیمت پایین مواد غذایی در شهر، آنرا با قیمت‌هایی پایین تر از بازارهای جهانی تهیه نمایند. آژانسهای بازاریابی که گاهی دارای قدرت انحصاری قانونی نیز هستند بدین منظور

بوجود آمده اند که با مراقبت آنها کثافت‌ها و زوائد محصولات خود را در محل دیگری بفروش نرسانند. البته کنترل محصولات کشاورزی مشکل است و بسیاری از کشاورزان بازارهای سودمندتری را پیدا کرده‌اند.

غالباً " اینگونه تصور میشود که اگر قیمت‌های مرزی مربوط به کشوری بوسیله سیاست‌های خارجی (برای مثال، توسط سوبسیدهای صادراتی) کاهش یابد، کشور مربوطه می‌بایست برای حفظ قیمت‌های داخلی در سطح بالاتر، ضوابط جبرانی را اتخاذ نماید. البته چگونگی شکل‌گیری قیمت‌های مرزی مهم نیست، بلکه مطلب مهم پیش‌بینی این قیمت‌ها در آینده است. زمانیکه کشورها بتوانند کالاها را از خارج بسیار ارزان‌تر نسبت به تولید داخلی خود تهیه نمایند، استدلال معمول برای تجارت آزاد بکار می‌رود. بنا بر این، اگر انتظار می‌رود که قیمت‌های رایج ادامه یابد، ضوابط جبرانی بیش از آنکه به کشوری کمک نماید به آن آسیب می‌رساند. البته در صورت وجود این احتمال که سطح متوسط یک قیمت مرزی بدلیل تغییرات خط مشی خارجی افزایش سریعی در کوتاه مدت داشته باشد، ممکن است ضوابط جبرانی معتبر باشند. البته پرداخت قیمتی پایین‌تر از قیمت‌های مرزی به تولیدکنندگان داخلی جایگزین‌های واردات و محصولات قابل صدور اقدامی متضاد با ضوابط جبرانی است.

— سیاست‌های بخشی و نرخهای واقعی ارز

در حالیکه قیمت‌گذاری بخشی و سیاست‌های تجاری مکرراً " باعث تشدید تبعیض اقتصادی عمومی نسبت به کشاورزی میشود، اثرات عوامل فوق‌نمی‌تواند جدا از تغییرات نرخ ارز واقعی ارزیابی شود. با افزایش ارزش نرخهای واقعی ارزیابی از سیاست‌های نامناسب

جدول شماره ۲- شاخص نرخهای ارز واقعی در برخی از کشورهای آفریقای
(۱۹۰=۷۱-۱۹۶۹)

کشور	۱۹۷۳-۷۵	۱۹۷۸-۸۰	۱۹۸۱-۸۳
کامرون	۷۵	۵۸	۸۰
ساحل عاج	۸۱	۵۶	۷۴
اتیوپی	۹۳	۶۴	۶۷
غنا	۸۹	۲۳	۸
کنیا	۸۸	۶۹	۸۶
مالاوی	۹۴	۸۵	۹۴
مالی	۶۸	۵۰	۶۶
نیجر	۸۰	۵۶	۷۴
نیجریه	۷۶	۴۳	۴۱
سنگال	۷۱	۶۰	۸۵
سیرالئون	۱۰۰	۹۰	۷۳
سودان	۷۶	۵۸	۷۴
تانزانیا	۸۵	۶۹	۵۱
زامبیا	۹۰	۷۹	۸۶
تمام کشورهای جنوب صحرای آفریقا	۸۴	۶۲	۶۹

تذکر: نرخ واقعی رزات تقسیم نرخ رسمی ارز بر نسبت شاخص تعدیل کننده قیمت مصرف کننده داخلی به شاخص تعدیل کننده قیمت مصرف کننده در آمریکا بدست می آید. کاهش در شاخص نشان دهنده افزایش ارزش برابری است. اما از متوسط سه سال بدست آمده است.

اقتصاد کلان ، تلاش برای بهبود سیاستهای بخشی می تواند اهمیت بیشتری پیدا کند . این مسئله را بیشتر می توان در کشورهای جنوب صحرای آفریقا که بدلائل مختلف نرخهای واقعی ارزهای آنها طی دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد با سرعت افزایش یافت ، مشاهده نمود . برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا بعنوان یک گروه ، همچنان که در جدول ۲ نشان داده شده است ، نرخهای واقعی ارز بین سالهای ۷۱-۱۹۶۹ و ۸۳-۱۹۸۱ ، ۳۱ درصد افزایش یافته است . افزایش نرخ ارز خصوصا " در غنا ، نیجریه و تانزانیا زیاد بوده است .

از آنجا ثیکه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا ، مانند بسیاری دیگر از مناطق در حال توسعه جهان ، هزینه داده های مدرن کشاورزی وارداتی یا تولید شده در داخل ، فقط بخش کوچکی از کل هزینه های کشاورزی را تشکیل میدهد ، با نگاهی به روند قیمتهای محصولات کشاورزی می توان به اهمیت افزایش نرخ ارز واقعی با توجه به سیاستهای بخشی پی برد . اهمیت مطلب بحدی است که اگر بدلیل خروج نیروی کار از کشاورزی ، هزینه های واقعی آن افزایش یابد ، اثرات منفی سیاستهای اقتصاد کلان بیشتر از آن چیزی خواهد بود که بوسیله روند قیمت محصولات نشان داده میشود .

برای مثال ، اینکه در یکسال کشاورزان فقط نصف قیمت مرزی را بر حسب نرخ رسمی ارز دریافت کرده اند ، بدان معنی است که ضریب اسی حمایت ۵/۰ بوده است . حال فرض کنید که دولت ایکن تفاوت را ظرف یک دوره زمانی که در آن نرخ ارز ، بواسطه عدم تعدیل آن بمیزان مازاد تورم داخل و خارج از کشور ، ۵۰ درصد افزایش یافته ، از بین برده است . اگرچه کشاورزان ظاهرا " در شرایط بهتری بنظر

جدول شماره ۳- شاخص فراپسایسمی و واقعی و محصولات صادراتی در چند کشور آفریقا، ۸۳-۱۹۷۲.
(۱۹۶۹-۷۱=۱۰۰)

محصولات صادراتی		فلات		کشور				
۱۹۸۱-۸۳	۱۹۷۲-۸۳	۱۹۸۱-۸۳	۱۹۷۲-۸۳	۱۹۷۲-۸۳	۱۹۷۲-۸۳			
شاخص واقعی	شاخص اسمی	شاخص واقعی	شاخص اسمی	شاخص واقعی	شاخص اسمی			
۷۵	۹۵	۶۱	۸۳	۱۰۸	۱۴۰	۹۰	۱۲۹	کشور
۷۱	۹۹	۶۶	۹۳	۸۷	۱۱۹	۹۸	۱۴۰	گامرون
۶۶	۱۰۱	۷۱	۸۸	۴۹	۷۳	۵۵	۷۳	ساحل عاج
۸۴	۹۸	۸۳	۱۰۱	۹۸	۱۱۵	۹۴	۱۱۵	آلبورنی
۹۷	۱۰۴	۹۳	۱۰۴	۱۰۰	۱۰۶	۷۹	۸۵	کنگولیا
۷۰	۹۸	۸۳	۱۰۱	۱۲۳	۱۷۷	۷۹	۱۲۸	مالی
۸۴	۱۱۳	۵۶	۸۲	۱۶۴	۲۲۵	۱۱۹	۱۷۰	سنگری
۶۳	۱۴۹	۶۰	۱۰۸	۶۶	۱۶۰	۶۶	۱۲۶	سنگری
۶۴	۷۵	۶۰	۸۳	۸۹	۱۰۴	۷۹	۱۰۹	سنگری
۶۸	۹۲	۹۳	۱۰۱	۱۴۳	۱۸۴	۹۵	۱۰۴	سیرالئون
۷۵	۱۰۵	۶۳	۹۰	۱۶۴	۲۲۹	۱۱۹	۱۷۴	سودان
۵۲	۱۰۳	۶۲	۸۶	۹۵	۱۸۸	۸۸	۱۲۷	سودان
۸۰	۹۳	۸۴	۹۷	۱۲۵	۱۴۶	۹۳	۱۰۷	سودان
۷۳	۱۰۲	۷۱	۶۳	۱۰۹	۱۵۱	۸۹	۱۲۲	زامبیا

بنا بر: شاخص اسمی، تغییر در فریب حمایت اسمی با قیمت‌های موزی که با توجه به نرخ رسمی ارزی واحد پول محلی تبدیل شده است را اندازه‌گیری میکند. شاخص واقعی، تغییر در فریب حمایت اسمی با قیمت‌های موزی که با توجه به نرخ واقعی ارزی واحد پول محلی تبدیل شده است را اندازه‌گیری میکند.

میرسند، لکن در واقع در وضعیت بدتری از گذشته قرار دارند. رندی که در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است نشان میدهد که علیرغم بهبودهای آشکار در شرایط ظاهری، چگونه انگیزه‌های واقعی کشاورزان در طی زمان از میان رفته است. با بکارگیری نرخهای رسمی ارز، این استنباط میشود که انگیزه‌ها برای تولید غلات در آفریقا بین سالهای ۷۲-۱۹۶۹ و ۸۳-۱۹۸۱، ۵۱ درصد افزایش یافته است و یا به عبارت دیگر قیمت‌های داخلی بطور قابل ملاحظه‌ای بیست‌ساله از قیمت‌های مرزی افزایش یافته است. لکن زمانیکه قیمت‌های مرزی با توجه به افزایش نرخ ارز واقعی محاسبه میشوند، افزایش واقعی انگیزه‌ها فقط ۹ درصد بوده است. برای محصولات صادراتی انگیزه‌ها اسماً "حدود ۲ درصد افزایش یافته است. البته واقعیت امر کاهش سریع آن به میزان ۲۷ درصد بوده است. همانطور که جدول شماره ۳ نشان میدهد در مقایسه با شرایط سالهای ۷۱-۱۹۶۹، در دوره ۸۳-۱۹۸۱ انگیزه‌های واقعی نسبت به محصولات صادراتی در تمام کشورهای کاهش یافته است. این امر نشانگر این است که اصلاحات کشاورزی می‌بایست گام به گام با اصلاحات عمومی اقتصادی پیش رود.

مأخذ:

World Bank World Development Report 1986,

(Washington: 1986). PP. 61-68.